

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۴۰۲ (ص ۱ - ۱۱)
دریافت: تیر ماه ۱۴۰۲ پذیرش: شهریور ماه ۱۴۰۲

اتخاذ سبک های نوین تدریس در درس زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه دوم برای اثربخشی فرایند یادگیری در دانش آموزان

Adoption of new teaching styles in the Persian language and literature course of the second high school for the effectiveness of the learning process in students

سجاد رضائی آلی / دانشجوی کارشناسی دبیری زبان و ادبیات فارسی، پردیس شهید بهشتی، دانشگاه فرهنگیان مشهد، مشهد، ایران.

Sajjad Rezaei AAli/ Bachelor's student, Department of Persian Language and Literature, Shahid Beheshti Campus, Farhangian University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Rezaeiaali.sajjad@gmail.com

Abstract

In the curriculum of the Islamic Republic of Iran, the lesson of Persian language and literature and its books are considered as a vital means of transmitting the official, national and patriotic language of the country. On the other hand, the Persian language and literature course for the 10th, 11th and 12th grades in the second secondary school is always considered one of the main and important courses in all fields. Based on this, today, one of the most important and basic problems in the education system, especially in our country, is the failure to use new teaching methods in the education and training of students. According to the surveys, we can find that the quality of education is not at the desired and ideal level and students do not show much interest in studying. One of the reasons can be teachers' lack of familiarity with new teaching methods in Persian language and literature. The increasing progress of various sciences and researches in various fields indicates that human information increases day by day and new materials are obtained. Today, every person has to use the

چکیده

در برنامه ریزی درسی جمهوری اسلامی ایران درس زبان و ادبیات فارسی و کتب آن به عنوان وسیله ای حیاتی برای انتقال زبان رسمی، ملی، میهنی کشور محسوب می شود. از سویی دیگر درس زبان و ادبیات فارسی پایه دهم، یازدهم و دوازدهم در دوره متوسطه دوم همواره یکی از دروس اصلی و مهم در همه رشته ها به حساب می آید. بر این اساس امروزه یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش خصوصاً در کشور ما، به کار نگرفتن روش های تدریس نوین در آموزش و پرورش فراگیران است. طبق بررسی های انجام شده، می توانیم دریابیم که کیفیت آموزشی از سطح مطلوب و آرمانی برخوردار نیست و دانش آموزان علاقه زیادی به تحصیل نشان نمی دهند. یکی از دلایل آن می تواند عدم آشنایی معلمان با روش های نوین تدریس در زبان و ادبیات فارسی باشد. پیشرفت روز افزون علوم و تحقیقات گوناگون در حیطه های مختلف حاکی از آن است که اطلاعات بشر روز به روز افزایش می یابد و مطالب جدیدی به دست می آید. امروزه هر فرد ناچار است از یافته های علوم مختلف از قبیل: روانشناسی، فناوری و سایر دانش های مربوط به انسان برای تعالی و کمال بخشیدن خود استفاده کند. معلم درس زبان و ادبیات فارسی باید با سبک ها و شیوه های مختلف تدریس آشنا باشد و باید بداند در کدامین موقعیت آموزشی از کدامین روش تدریس استفاده نماید. بنابراین هدف ما در پژوهش حاضر طرح همین سبک های

findings of different sciences such as: psychology, technology and other human-related knowledge to improve and perfect himself. A teacher of Persian language and literature should be familiar with different teaching styles and methods and should know which teaching method to use in which educational situation. Therefore, our goal in the current research will be to design these different and new styles suitable for Persian language and literature lessons; Since our method in this article is necessarily descriptive-analytical, by referring to the sources and books of the library, we reached the studies that are described below. What will come in this article is a short and brief look at the new teaching methods in Persian literature and its criticism, then conclusions are made and at the end some suggestions are presented.

Keyword: teaching styles, Persian language and literature, curriculum, teacher, students.

مختلف و نوین متناسب با درس زبان و ادبیات فارسی خواهد بود؛ از آن جا که روش ما در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی است با مراجعه به منابع و کتب کتابخانه به مطالعاتی که در ادامه بیان می شود دست یافتیم. آنچه در این مقاله خواهد آمد، نگاهی است کوتاه و گذرا به روش های نوین تدریس در ادبیات فارسی و نقد آن و سپس نتیجه گیری به عمل آمده و در پایان پیشنهاداتی ارائه می شود.

کلیدواژه‌ها: سبک های تدریس، زبان و ادبیات فارسی، برنامه درسی، معلم، دانش آموزان.

مقدمه

زبان فارسی به عنوان یکی از زبان های غنی و کهن دنیا و زبان دوم اسلام، به لحاظ گستره واژگانی و توانایی های خود، در ردیف زبان های مهم دنیا جای دارد و از ارزش شایانی برای انتقال مفاهیم ملی، میهنی، تاریخی، انقلابی برخوردار است. زبان فارسی امروز بی گمان در ایجاد پیوند دوستی ملل هم جوار و سایر ملت ها در تحقق و شکل گیری طرح گفت و گوی ملت ها و تمدن ها نقش بسزایی ایفا می کند، و بیش از پیش توانسته است توجه جهانیان را به خود جلب کند و آنها را به اندیشیدن در ایجاد روابط و پیوندهای دوستی با این زبان تشویق کرده است. زبان فارسی که عهده دار برقراری ارتباط بین ملل مختلف دنیا شده، به همین سبب در پیشرفت فرهنگی و هنری در زبان های سایر ملل و کشورها تأثیرگذار بوده است. پس اگر از جنبه های فرهنگی، ادبی، علمی، و تمدن های کهن جهانی به این قضیه بنگریم، ضرورت آموزش زبان و ادبیات فارسی محسوس و آشکار می گردد. علاوه بر ضرورت آموزش زبان و ادبیات فارسی در تمام سطوح مدیریتی نقش نیروی انسانی و کاربرد آن در چرخه های گوناگون بسیار مورد اهمیت واقع شده است. در آموزش و پرورش نیز نیروی مهم انسانی نقش بسزایی در تعلیم و تربیت دانش آموزان و فراگیران دارد. از این رو در نظام آموزشی کشور تحول در روح و جسم دانش آموزان از اهداف مهم این نهاد تلقی می شود و مسلم است که اهداف آموزش و پرورش تحقق پیدا نمی کند؛ مگر آنکه یادگیری شکل گیرد. بنابراین یادگیری را می توان قلب آموزش و پرورش دانست. به همین دلیل، تمام جهت گیری ها باید به گونه ای ترتیب داده منجر می شود (محمدی باغملایی، ۱۳۹۵). معلم، دانش آموز، محتوای آموزشی سه عامل مهم برای اتفاق افتادن یادگیری هستند (عالی زاده و همکاران، ۱۳۹۹). اما در این مقاله ما به دنبال تبیین جایگاه معلم هستیم که به عنوان یکی از عناصر مهم محیط آموزشی نقش قابل توجه ای در تعلیم و تربیت فراگیران دارد، در واقع سبک و روش های نوین در اولین مرحله از اجرا با معلم در ارتباط است که اگر معلمان درس زبان و ادبیات فارسی با روش های موجود دنیای تحول یافته فناوری و رایانه در تدریس و فرایند یاددهی - یادگیری آشنا باشند؛ به یقین می توان گفت که هدف اصلی که یادگیری و مهارت است، محقق خواهد شد. نکته دیگر که باید گفته شود آن است که در برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران، درس زبان و ادبیات فارسی و کتب قابل تدریس در آن به عنوان مهم ترین ابزار آموزش زبان فارسی در کشور محسوب می شود. یکی از مهم ترین وظایف این کتب انتقال و تثبیت هویت دینی، ایرانی و ملی مردم جامعه است. زبان فارسی به عنوان زبان رسمی جامعه ایرانی، نقش مؤثری در حفظ عقاید، ارزش ها، باور ها، و هویت ملی دارد. اقوام مختلف نظیر: ترک، کرد، بلوچ، عرب به واسطه همین زبان با یکدیگر رابطه دارند و کشور را به قله اقتدار و پیشرفت سوق می دهند. فارغ از اشتراک این گونه، زبان و ادبیات فارسی به عنوان گنجینه ذخیره سترگ

شاهکارهای ادبی و آثار مهم نویسندگان بزرگ و گرانقدر به شمار می‌رود (قاسم پورمقدم و همکاران، ۱۳۹۶). آثار ادبی میهن ما آینه تمام‌نمای عظمت روحی و معنوی ملتی است که از دیرباز تا کنون به طور شکوفا و بالنده از فراز و نشیب‌های گوناگون گذشته است و مطالعه و آموزش این زبان باعث طراوت روح و شکوفایی استعداد های آدمی می‌شود. توجه به این موضوع حیاتی، وظیفه حساس و خطیر برنامه‌ریزان درسی به ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت به شمار می‌رود تا از طریق ایجاد فضای مناسب و شکوفا برای فراگیران و دانش‌آموزان، امکان آشنایی آنان با این آبخورهای فرهنگی فراهم آید و تجارب شایسته برای رسیدن به مراتبی از حیات طیبه و نیکوتر زیستن، کسب شود. زبان و ادبیات فارسی به دلیل رابطه نزدیک و ناگسستنی با تفکر انسان می‌تواند نقش مهمی در تقویت خلاقیت و کاربرد درست مهارت‌های زبانی، ادبی، فکری داشته باشد. بنابراین طراحی روش تدریس نوین و ساخت برنامه درسی مناسب برای دانش‌آموزان می‌تواند آنان را نسبت به پاسداری از این میراث فرهنگی برانگیزد و آموخته‌های ادبی آنان را پرورش دهد و برای حل دشواری‌ها و مشقت‌های محیط زندگی آماده کند. بنابراین مسئله اصلی ما در این مقاله پس از بیان ضرورت تحقیق و پژوهش این است که با توجه به نقش کلیدی و مهم زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزش و پرورش کشور، یک معلم درس فارسی چه سبک‌های تدریسی را باید مورد توجه قرار بدهد تا فرایند یاددهی و یادگیری دانش‌آموزان به طور جدی و درست دنبال شود. در واقع ما در این پژوهش به دنبال آن هستیم که معلم را به عنوان یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت با روش‌های نوین تدریس آشنا کنیم. به هر حال موفقیت درسی و تحقق اهداف رفتاری و آموزشی ذکر شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیازمند برنامه‌ریزی و کیفیت بخشی مطلوب در سطوح دیگر نظام آموزشی است و صرف داشتن تخصص‌های چندجانبه معلم مکفی نیست و نبوده. بر این اساس یکی از چرخه‌های مهم تحول به دست معلم در کلاس درس رقم می‌خورد و ما در این مقاله به دنبال تبیین یکی از شاخصه‌های مهم و بنیادین معلم زبان و ادبیات فارسی در دوره متوسطه دوم در کلاس درس هستیم.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و همچنین با استفاده از اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای به دنبال آن هستیم که نقش کلیدی سبک‌های نوین آموزشی را در دوره دوم متوسطه همراه با اصول و مبانی فناوری مورد بحث و بررسی قرار دهیم. بنابراین روش این مقاله مبتنی بر ارجاع به منابع کتابخانه‌ای است که نگاهی کوتاه و گذرا به سبک‌های نوین تدریس در درس زبان و ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه دارد و به دنبال نقد و بررسی این رویکردها خواهد بود.

پیشینه پژوهش

نقد و تحلیل کتاب‌های درسی همواره به عنوان یکی از روش‌های کلیدی در آموزش آن کتاب به دانش‌آموزان محسوب می‌شود. مدرس و معلم برای انتقال مطالب درسی به فراگیران خود ابتدا به تحلیل و نقد آن باید بپردازد. در این میان قاندری (۱۳۸۲) در مقاله پژوهشی به نقد و بررسی کتاب درسی زبان فارسی (۱) می‌پردازد. این پژوهشگر در آغاز این مقاله از بیان مزایای کتاب خودداری می‌کند و سپس به شرح اشکالات و نقص‌ها می‌کند. در ادامه محقق دیگری به نام فرخنده کلات (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی کتاب فارسی ۳" به بررسی انسجام درونی و مطابقت میان واقعیت روز جامعه و مطالب بیان شده در کتاب می‌پردازد. اما نگارنده و نویسنده این مقاله حاضر پس مطالعه در آثار و مقالات مختلف با مروری دیگر در پایان نامه‌ها، تحقیقاتی را در حوزه فناوری‌های مدرن و نوین انجام داده است. به عنوان مثال "تاثیر فناوری نوین ارتباطی بر زبان فارسی" اثر دکتر سیف محمدنژاد عالی زمینی و دکتر اسماعیل کاوسی است؛ اثر و منبع مهم دیگر مقاله‌ای با نام "روش تدریس در امر فناوری‌های جدید زبان فارسی" در تدریس دانشگاهی و آموزشی است. احمدیان (۱۳۸۷) اثری با عنوان راهنمای کاربردی و روش‌های نوین درسی دارد که مورد مطالعه و تفحص قرار گرفته است. آثار و منابع دیگر به شرح زیر است: کتاب یادگیری زایا از لوگان فیورلا و ریچارد ای. میر که ترجمه این کتاب توسط سعیدی و اقتصاد رودی (۱۴۰۰) منتشر شده است، کتاب مهم روانشناسی پرورشی نوین ویرایش و چاپ هفتم آن توسط سیف (۱۴۰۰) به چاپ و نشر رسیده است، سیف در این کتاب به تفصیل اصول حرفه‌ای مورد نیاز معلمان را برشمرده است و در فصل هجدهم این کتاب با عنوان آموزش معلم محور به بررسی و بیان روش تدریس‌های موجود در علوم مختلف پرداخته است. آخرین اثر که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است؛ کتاب مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه است که توسط ملکی (۱۳۹۸) عرضه شده است. این کتاب در فصول مقدماتی و ابتدایی به تعریف و تبیین اصول و مفاهیم آموزشی پرداخته و در ادامه

اهداف مهم برنامه درسی هر کتاب را بیان کرده است که از این حیث جایگاه بالایی در میان منابع علوم تربیتی دارد که در تحقیق و نگارش این مقاله از آن استفاده شده است.

جایگاه کتاب های فارسی در دوره دوم متوسطه

مطالعات تطبیقی میان سه کتاب فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم نشان می دهد؛ در مجموع همه این کتب سی و چهار متن درسی و غیر درسی وجود دارد که در کتاب فارسی (۱)، یعنی پایه دهم، سیزده متن از میان این متون به شعر فارسی اختصاص دارد و در کتاب فارسی (۲)، یعنی پایه یازدهم سهم شعر نسبت به پایه قبلی کمی افزایش می یابد و به پانزده درس می رسد. در کتاب پایه دوازدهم نیز تعداد دوسر به شانزده مورد ارتقا پیدا می کند. بنابراین، همه این موارد نشان می دهد که برای تدریس زبان و ادبیات فارسی در دوره متوسطه دوم باید با اصول مهم روانشناسی و تربیتی آشنا بود و معلم این درس برای انتقال مفاهیم و اطلاعات و همچنین یادگیری مؤثر در دانش آموزان باید به سطوح مختلف یادگیری و سبک های متنوع و نوین تدریس مسلط باشد. پس در درس فارسی معلمان موظف هستند که خودشان را با الگوهای تدریس موجود تطبیق دهند و در نتیجه متناسب با سطح درک جمعی دانش آموزان و شرایط بومی و فرهنگی آنان به الگوی تدریس مناسب دست پیدا کنند.

توصیف و تبیین الگوی تدریس

الگوی تدریس، چارچوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می تواند به معلم در اتخاذ روش های مناسب تدریس کمک کند. تدریس، یک فرایند است و همچنین عوامل بی شماری در آن نقش دارند که همه آنها قابل مطالعه و کنترل نیستند. در فرایند تدریس معلم باید به الگوی عمومی تدریس توجه کند و آن را در کلاس درس تجزیه و تحلیل کند.

چیستی الگوی عمومی تدریس

الگوی عمومی تدریس در ابتدا توسط رابرت گلیرز در سال ۱۹۶۱ مطرح شد و بعد ها راجر رابینسون در سال ۱۹۷۱ تغییراتی را در آن پدید آورد. این الگو در عین سادگی و آسانی فرایند تدریس را به خوبی توصیف می کند و تسهیل گر معلم در سازمان دادن به فرایند تدریس است. مراحل مهم الگوی عمومی تدریس شامل پنج مورد است که به دلیل روشن بودن مفاهیم آن و عدم ارتباط مناسب با موضوع این پژوهش صرفا به اجمال ذکر می شود و از بیان تفصیلی آن خودداری می شود که این مراحل به شرح زیر خواهد بود:

(۱) تعیین هدف های تدریس و هدف های رفتاری

(۲) تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی

(۳) تعیین شیوه و وسایل تدریس

(۴) سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی

(۵) ارزشیابی و سنجش عملکرد

عوامل مؤثر در تدریس درس فارسی دوره دوم متوسطه

همان طور که گفته شد، تدریس فرایندی است که عوامل بی شمار و متعددی در آن نقش دارند. هرچند همه آنها قابل مطالعه و کنترل نیستند و برخی در حین تدریس و ارزشیابی تجربی و عینی معلم صورت می گیرد؛ اما عواملی همچون شخصیت معلم زبان فارسی، زمینه های علمی و تخصصی او، مطالعات تجربی و عینی، روابط اجتماعی معلم با دانش آموزان، دانسته های پیشین دانش آموزان، ویژگی های فردی فراگیران، اهمیت موضوع درس، قوانین و مقررات محیط و نظام آموزشی در کیفیت تدریس معلم در زبان فارسی اثر دارند (شعبانی، ۱۳۹۰). علاوه بر اینکه دانش آموزان دوره متوسطه دوم از نظر تغییرات هویتی و بلوغ جسمانی، عاطفی و عقلی دچار تحول زیادی شده اند و نسبت به دوره پیشین خود بسیار تغییر کرده اند، فرایند و عوامل تدریس می تواند با سختی و مشکلات متعددی روبه رو شود. فارغ از این گونه مسائل، باید در نظر داشت که معلم در ایجاد موقعیت مناسب یاددهی و یادگیری

قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست. اما تا حدودی می‌تواند با تعیین هدف‌های رفتاری و صریح اجرایی و اتخاذ الگو مناسب تدریس و بکارگیری تجهیزات لازم، کیفیت تدریس خود را دستخوش تحول مثبت سازد.

روش تدریس معلم، عامل مورد توجه در یادگیری

به لحاظ اهمیت نگرش، روش تدریس معلم در فرایند فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و در نهایت بر روند یادگیری دانش‌آموزان مؤثر است. اگر معلم با نظریه و عمل یادگیری آشنا نباشد و تدریس را فقط انتقال واقعیت‌های علمی و تخصصی درس زبان فارسی بداند و تجارب یادگیری را منحصر به حفظ کردن مطالب نوشته در کتاب بداند، مسلم است در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی شاگردان چندان توفیق و موفقیتی به دست نمی‌آورد.

هدف‌های کلی برنامه آموزشی درس زبان فارسی در دوره متوسطه دوم

هدف‌های کلی درس زبان و ادبیات فارسی به صورت کلی در سه حیطه: شناختی، مهارتی، نگرشی قابل بررسی و تقسیم‌بندی هستند. هدف‌های کلی در واقع نقش اساسی و محوری در تدریس آن درس را دارد، پس نخستین چیزی که در طرح یک برنامه درسی منظم بکار گرفته می‌شود، تعیین اهداف است (فارسی ۳، ۱۳۹۱). اهداف کلی برنامه آموزشی درس فارسی در دوره متوسطه دوم، مبنای کار یک معلم برای اتخاذ روش تدریس و شیوه ارزشیابی است. در این صورت آنچه که به برنامه و فعالیت‌های یک معلم جهت معنا می‌دهد همین اهداف هستند.

حیطه شناختی

- ۱) توسعه آشنایی با کاربرد صحیح و مهارت‌های زبانی در برقرای ارتباط
- ۲) شناخت ماهیت و ارزش زبان فارسی به مثابه مهم‌ترین عامل ارتباط روحی، فرهنگی و فکری
- ۳) آشنایی با قواعد و نکات دستوری، نگارشی و املائی
- ۴) آشنایی با متون زبان فارسی گذشته و معاصر
- ۵) درک مقوله‌های ادبی (حماسی و غنایی) و هنری
- ۶) درک تاریخ ادبیات، اشخاص برجسته ادبی
- ۷) درک نقد ادبی
- ۸) شناخت مکاتب و سبک‌های ادبی
- ۹) تقویت ارزش علمی، دینی و اجتماعی ایران
- ۱۰) تقویت هویت ملی، میهنی، وطنی و باستانی ایران

حیطه مهارتی

- ۱) کسب مهارت بیشتر در گوش دادن، سخن گفتن، سخنوری، درک مفاهیم، برقرای ارتباط کلامی
- ۲) کسب مهارت در اندیشیدن و تفکر منطقی
- ۳) کسب مهارت در ترجمه آثار ادبی گذشته
- ۴) کسب مهارت در بکارگیری از منابع، مراجع
- ۵) تبیین مفاهیم و پیام‌های ادبی
- ۶) نگارش متون زیبای ادبی و آراسته به نکات بلاغی
- ۷) مقایسه سبک‌های ادبی و نقد آثار بزرگان
- ۸) تشخیص و بکارگیری آرایه‌های ادبی در متون مختلف ادبی
- ۹) تطبیق و بررسی آثار ادبی ایران و جهان

۱۰) پرورش استعدادها در راستای آفرینش آثار هنری

حیطه نگرشی

- ۱) پاسداری از زبان فارسی و اشاعه و گسترش آن
- ۲) حفظ ارزش های حاکم در ایران اسلامی
- ۳) کاربرد صحیح مهارت های زبانی زندگی
- ۴) علاقه مندی به فرهنگ اسلامی، ایرانی، حفظ و ترویج آن
- ۵) تلطیف عواطف و استعداد ادبی از راه مطالعه آثار ادبی ایران و جهان
- ۶) تقویت حس انسان دوستی
- ۷) تقویت روحیه شجاعت، سلحشوری، اعتماد به نفس، دشمن ستیزی
- ۸) مطالعه مشاغل و نقش های سالم اجتماعی
- ۹) برنامه ریزی بر مسائل اجتماعی و دینی
- ۱۰) علاقه مندی به تفکر و اندیشیدن به دنیای درون و بیرون و تلاش های گذشتگان

فناوری جدید و زبان فارسی

رسانه های آموزشی جدید در واقع بخشی عظیم از فناوری های امروز را شامل می شود و به ابزار و وسایلی اطلاق می شود که فراگیری و یادگیری را ساده تر، سریع تر، و پایدارتر می کند؛ رسانه های آموزشی شامل چهارگروه اصلی می باشد که عبارت است از،

- ۱) رسانه های نوشتاری: کتب، مجله، روزنامه
 - ۲) رسانه های شنیداری: فیلم های آموزشی، کتاب های صوتی
 - ۳) رسانه های دیداری: تصاویر، پوستر، طرح های خطی، کتاب مصور
 - ۴) رسانه های دیداری - شنیداری: فرهنگ های الکترونیکی، انواع مترجم ها (حسینی و رضی، ۱۳۹۳).
- برای شکل گیری، رشد و پیشرفت مهارت های چهارگانه زبانی و آموزشی همه سطوح زبان فارسی می توان از رسانه های آموزشی استفاده کرد. با وجود نقش انکار ناپذیر رسانه های آموزشی در تسهیل و تسریع فرایند آموزش زبان فارسی، میزان استفاده از این رسانه ها در مراکز آموزشی و مدارس کشورمان با وضعیت مطلوب استاندارد فاصله زیادی دارد. به یقین می توان گفت که در مدارس و نهاد های آموزش و پرورش برای تدریس و آموزش زبان فارسی از این فناوری های ذکر شده و موجود در کشور استفاده نمی شود؛ بلکه بسیاری از مدارس به این رسانه ها دسترسی ندارند. در ادامه پیشنهاداتی برای بهبود روند بکارگیری و اتخاذ این وسایل آموزشی در آموزش و پرورش بیان می شود:

- ۱) رسانه های نوشتاری: تدوین واژه نامه مصور، تهیه واژه نامه دو زبانه، تدوین کتب داستانی
- ۲) رسانه های شنیداری و دیداری: تهیه سی دی های آموزشی، ضبط اشعار کتب فارسی، تولید فیلم، تولید کارت های صوتی (کریم زاده، ۱۳۸۸).

باتوجه به اهمیت و نقش گسترده رسانه های آموزشی از لحاظ اثر گذاری و سرعت دهی فرایند آموزش، نیاز است که مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی به خصوص مدارس کشور به انواع رسانه های نوشتاری و شنیداری - دیداری مجهز باشند؛ چراکه با تمرکز به سطوح و حیطه های ذکر شده در مطالب فوق، یعنی حیطه شناختی و مهارتی و نگرشی نیازمند تعامل صحیح و سازنده میان معلم و سایر رسانه های آموزشی هستیم. بنابراین استفاده از فناوری در فرایند تدریس و یادگیری نقش بسیار مهمی دارد. فناوری و رسانه های آموزشی قابلیت فراوانی در میان رابطه دو طرفه معلم و دانش آموز دارند. پس این قابلیت به دو بخش تقسیم می شود.

- ۱) قابلیت های فناوری برای یادگیری فراگیران
- ۲) قابلیت های فناوری برای تدریس اساتید و مدرسان نظام آموزشی که با تعامل میان این دو محیط آموزشی به فضایی صمیمی و خلاق تبدیل می شود.

سبک‌های نوین برای یادگیری مؤثر دانش آموزان در درس زبان و ادبیات فارسی

زبان و ادبیات فارسی به لحاظ گستره واژگانی و توانایی‌های خود در ردیف زبان‌های مهم دنیا جای دارد و از ارزش شایانی برای انتقال مفاهیم بلند برخوردار است. این زبان پیش از پیش توانسته است توجه جهانیان را به خود جلب کند. اگر از جنبه‌های فرهنگی، علمی، ادبی به این قضیه بنگریم؛ ضرورت آموزش زبان فارسی محسوس می‌گردد. اما در میان این ضرورت بخشی به تدریس این درس در مدارس ایران باید بگوییم که یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش، بکار نگرفتن روش‌ها و سبک‌های مختلف و متنوع متناسب با همان درس است. علاوه بر این، در نیای پیشرفته و تحول فناورانه امروز در حیطه‌های مختلف می‌توانیم بگوییم که اطلاعات و منابع داده‌ای بشر به سرعت دستخوش تغییر و تحول می‌شود و به گونه‌ای افزایش پیدا می‌کند؛ از این رو یک معلم در نظام تعلیم و تربیت ناچار است که با این تحولات مطابقت دهد و به گونه‌ای خودش را بروز کند و برای ایجاد و اثر بخشی فرایند یادگیری در دانش آموزان به سبک‌های مختلف تدریس آشنا و مسلط باشد و بداند از کدام روش‌ها استفاده کند (ذوالفقاری، ۱۳۸۱). بر این اساس در بخش پایانی و اصلی این مقاله به معرفی، نقد و بررسی سبک‌های نوین و مختلف تدریس در درس زبان و ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه خواهیم پرداخت.

سبک تدریس پرسش و پاسخ

همان‌طور که از نام این روش بر می‌آید، در این روش معلّم پرسش‌های مناسبی را تهیه و تدارک می‌بیند و آنها را به گونه‌ای در کلاس به کار می‌گیرد که دانش‌آموزان به سمت اهداف برنامه و درس، هدایت شوند. در این روش، معلّم می‌تواند پرسش‌هایی فی‌البداهه نیز برای تکمیل یادگیری طرح کند. نکته مهم این است که مدیریت و هدایت دانش‌آموزان و تنظیم زمان برای پاسخ به پرسش باید مورد توجه داشته باشد. این روش مهارت‌های گوش دادن، گفتن، نقد و تحلیل و حافظه شنیداری و قدرت بیان را تقویت می‌کند.

سبک تدریس بحث گروهی

این شیوه که اساساً یک شیوه‌ی تدریس شاگرد محور است، برای دوره دوم متوسطه بسیار مناسب است؛ چراکه در این دوره، دانش‌آموزان از نظر هویت اجتماعی به تکامل رسیده‌اند و قابلیت ارتباط و فعالیت جمعی را دارند. در این شیوه معلّم در کنار صحنه می‌ماند و اجازه می‌دهد دانش‌آموزان با هم صحبت کنند و فقط گاهی به سوال‌های آنان پاسخ می‌دهند. اجرای این روش از هر روش دیگر دشوارتر است؛ چون معلّم باید کاملاً به روش مسلط باشد و دانش‌آموزان نیز با آمادگی قبلی وارد کلاس شوند. اداره کردن کلاس به نحوی که همه‌ی دانش‌آموزان در گفت و گو شرکت کنند و درباره‌ی اطلاعاتی که رد و بدل می‌شود، علاقه نشان دهند، کاری مشکل است. در این زمینه روش مشاوره‌ای می‌تواند به موفقیت برنامه‌ی آموزش زبان فارسی کمک زیادی کند. در صورتی که پرسش و پاسخ از حالت دو طرفه بین معلّم و دانش‌آموز یا دانش‌آموز و دانش‌آموز درآید و معلّم موضوع مشخصی را در کلاس درس طرح کند تا دانش‌آموزان درباره آن یا هم مشورت کنند؛ روش بحث گروهی به کار رفته است. این روش از جمله سبک‌های فعالانه و مشارکتی در امر آموزش زبان فارسی به شمار می‌رود. بنابراین، دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف طبقه بندی می‌شوند و با هدایت معلّم به بحث و گفت و گو می‌پردازند. اهمیت این روش در ماهیت زبان و ادبیات فارسی زمانی روشن می‌شود که نمایندگان هر گروه نظر خود را بیان کنند و ضمن گوش دادن به اظهارات دیگر گروه‌ها، به نقد و تحلیل نیز تسلط یابند.

سبک تدریس ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق

در این شیوه دو یا چند دانش‌آموز موضوعی را به صورت نمایشنامه اجرا می‌کنند. این شیوه‌ی تدریس، نیاز به مهارت‌های خاص بازیگری ندارد؛ بلکه معلّم می‌تواند بنا به محتوای آموزشی مورد نظر، به ضرورت از آن استفاده کند. از ویژگی‌های مهم شیوه‌ی ایفای نقش این است که زبان‌آموزان با نمایش و بازیگران آن، ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند و با هیجان، مراحل نمایش را مشاهده می‌کنند. به این طریق، دقت، تمرکز و حواس و توجه به مطالب افزایش می‌یابد و یادگیری بهتر و موثرتر انجام می‌گیرد. هم‌چنین این شیوه برای مقابله با کم‌رویی و خجالتی بودن برخی زبان‌آموزان که در کار زبان‌آموزی مشارکت کم‌تری دارند، بسیار مفید است.

میزان کاربرد این سبک تدریس در دوره اول نسبت به دوره دوم بیشتر است؛ زیرا در دوره اول متوسطه، داستان ها و حکایت هایی وجود دارد که زمینه های لازم برای بکارگیری این روش بیشتر است. با این حال در دوره متوسطه دوم که مبنای تحقیق و پژوهش ما در این مقاله است نیز وجود دارد. برخی از دروس به گونه ای سازماندهی شده اند که با هدایت معلم می توان مفاهیم مورد نظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت. این روش چنانچه با بحث و تبادل نظر و ارزشیابی در کلاس توأم شود، می تواند عالی ترین اهداف آموزش زبان و ادب فارسی را محقق کند. بخشی از این اهداف در حیطه های مختلف در مطالب قبلی بیان شد.

سبک تدریس گردش علمی و مشاهده

در این روش معلم برای آشنایی بیشتر دانش آموزان با آثار تاریخی و ادبی و زبانی آنها را به بیرون از کلاس می برد تا از نزدیک به مشاهده بپردازند. دانش آموزان با توضیح و توصیف دیده ها و شنیده های خود به صورت گفتاری و نوشتاری به پرورش و تقویت مهارت های زبانی و ادبی خود نایل می شوند. می توان از آنها خواست تا گزارش تهیه کنند، یادداشت برداری نمایند، و اطلاعات بدست آمده را مورد نقد و بررسی قرار دهند.

سبک تدریس از طریق همیاری

معلم باید به دانش آموزان فرصت دهند تا به صورت گروهی و از طریق همیاری به یادگیری اقدام کنند. یادگیری از طریق همیاری یک قالب یا چهارچوب آموزشی است که در آن گروه های دانش آموزی ناهمگن از سوی معلم شکل داده می شوند و به فعالیت می پردازند. هدف نهایی از کاربری الگوی تدریس یادگیری از طریق همیاری دستیابی به فعالیت های عالی ذهنی است (رستگار و ملکان، ۱۳۹۷). همبستگی مثبت، مسئولیت فردی، تعامل چهره به چهره، مهارت های اجتماعی و پردازش گروهی. این عناصر معلم را از سخنرانی صرف و دانش آموز را از تکرار بی مورد آموخته هایش رها می سازد. افزون بر این، یادگیری از طریق همیاری فرصت هایی را پدید می آورد که یادگیرندگان بتوانند در موقعیت هایی چون کارگروهی، ارتباطات، ایجاد هماهنگی اثرگذار و تقسیم کار موفق شوند. سینر گوژی برای آموزش یادگیری از طریق همیاری چهار روش را ارائه می دهد: الف) طرح کارایی گروه ب) طرح تدریس اعضای گروه ج) طرح قضاوت عملکرد ث) طرح روشسازی طرز تلقی

سبک تدریس بدیعه پردازی یا نوآفرینی

یکی از الگوهای تدریس که باعث پرورش ظرفیت مشکل گشایی دانش آموزان و هدایت آنها به بیان خلاق و گسترش انگاره های جدید عقلی از طریق توجه به بعد عاطفی و غیر معقول می شود. الگوی بدیعه پردازی است در این الگو، به وسیله فعالیت استعاری به جریان آگاهانه تبدیل می شود (آقازاده، ۱۳۸۶). از این الگو اکثرا برای تدریس انشاء استفاده می شود. زیرا بیشتر از هر درس دیگری نیاز به پرورش تصورات ذهنی برای خلق چیزی جدید دارد. هدف اساسی نوآفرینی یا بدیعه پردازی شکستن سد قواعد مرسوم و ایجاد راه های جدید برای حل مسائل می باشد. این روش به منظور کمک به افراد برای شکستن زمینه های ذهنی قبلی و پیدا کردن راهی مناسب برای اندیشیدن به طرز جدید به موضوع می باشد. شش گام در تدریس این الگو عبارت است از: گام اول توصیف وضعیت جدید، گام دوم: قیاس مستقیم، گام سوم: قیاس شخصی، گام چهارم: تعارض فشرده، گام پنجم: قیاس مستقیم و گام ششم: بررسی مجدد وظیفه اولیه.

سبک تدریس تفکر استقرائی

از آنجا که تفکر پیوندی ناگسستنی با هر یک از مهارت های زبانی و ادبی دارد و در روش استقرایی هم تفکر در روندی متوالی، از آسان به پیچیده، سازماندهی می شود، لذا استفاده از این روش می تواند فرایند یادگیری مؤثری را تا حصول نتیجه در دانش آموز ایجاد کند. در جریان تفکر، دانش آموزان اطلاعاتی را جمع آوری و طبقه بندی می کنند و به تفسیر و کشف ارتباط بین یافته های خود می پردازند. از این روش می توان در آموزش نکات املائی، انشایی و دستور زبان استفاده کرد. بر اساس این الگو معلم به دانش آموزان مجموعه ای از اطلاعات در قلمرو خاصی مثل فرهنگ کشورها ارائه می دهد. وظیفه اصلی معلم درک آمادگی دانش آموزان برای

کسب تجربه، فعالیت‌های شناختی جدید و مورد استفاده قرار دادن تجارب در موقعیت جدید است دانش آموزان اطلاعات را در مغز خود سازمان دهی می‌کنند نکات و مطالب مستتر در آن را به یکدیگر ارتباط می‌دهند و سپس آموخته‌های خود را در موقعیت جدید به کار گرفته و تعمیم می‌دهند و بدین وسیله به پیش‌گویی، فرضیه‌سازی و توضیح پدیده‌های ناآشنایی می‌پردازد. الگوی تفکر استقرائی موجب می‌شود که دانش آموزان اطلاعات را گرد آورند به دقت بررسی کنند به شکل مفاهیم در آورند و دست‌ورزی با آن مفاهیم را یاد بگیرند. دانش آموزان با استفاده منظم از این شیوه توانایی کارآمدتری را در تکوین مفاهیم می‌یابند و بر چشم اندازه‌های خود در نگرش به اطلاعات می‌افزایند. الگوی تفکر استقرائی برای تدریس تکوین مفهوم و همزمان آموزش مفاهیم به دانش آموزان تدوین شده و توجه به منطقی، زبان و معانی کلمات، و ماهیت دانش را پرورش می‌دهد. سه شیوه ی تدریس در این الگو وجود دارد. نخستین آن تکوین مفهوم دومی تفسیر مطالب و سومی کاربرد اصول است. هر شیوه دارای سه گام می‌باشد.

مرحله اول: ۱- فهرست‌گیری ۲- گروه بندی ۳- عنوان دهی

مرحله دوم: ۱- تعیین جنبه‌های شاخص ۲- کشف روابط ۳- استنباط

مرحله سوم: ۱- پیشگویی نتایج ۲- توضیح پیشگویی‌ها ۳- تصدیق پیشگویی.

سبک تدریس حل مسئله

در این روش، مسئله‌ای مطرح می‌شود که میتواند از گرفتاری قهرمان قصه آغاز شود. دانش آموزان به توصیف و تبیین مسئله پرداخته، راه حل یا راه‌هایی برای آن پیدا می‌کنند. پس از بحث و گفت‌وگو معلم نظر خود را درباره حل مشکل قهرمان داستان ارائه می‌دهد. دانش آموزان به بررسی علت وقوع حوادث می‌پردازند (عباسی، ۱۳۷۹). و ایده‌های خود را در میان می‌گذارند. در این روش مطالب به دو گونه گفتاری و نوشتاری بیان می‌شود، با توجه به سطح درک و توانایی دانش آموزان در دوره متوسطه دوم می‌توان از آنان انتظار داشت تا هر آنچه که از داستان و ماجرای گفته شده فهمیده‌اند، بیان کنند و سپس به ارزیابی و قضاوت، تحلیل و داوری داستان بپردازند و پیام اصلی داستان را کشف کنند.

سبک تدریس واحد کار

از این روش می‌توان علاوه بر درس زبان و ادبیات فارسی در سایر دروس مبتنی به آن یعنی دروس انشا و علوم و فنون ادبی و... استفاده کرد. نام دیگر این سبک تدریس پروژه نام دارد که در آن از دانش آموزان کلاس خواسته می‌شود نسبت به مباحثی از قبیل: تاریخ ادبیات، سبک‌های مختلف ادبی، نام شاعران و زندگی‌نامه آنان، تحلیل و معرفی آثار و منابع ادبی تحقیقات و پژوهشی را انجام دهند و آن را در کلاس درس به سایر دوستان خود و دانش آموزان دیگر ارائه دهند.

سبک تدریس اعضای گروه

این طرح، این امکان را می‌دهد که مقدار زیادی از موضوع درسی طی یک دوره زمانی کوتاه با مطالعه گروه، تحت پوشش قرار گیرد. در انتخاب متن مورد تدریس باید در نظر داشت که متن به بخش‌های مستقل از یکدیگر قابل تقسیم باشد. بخش‌ها نیز از نظر حجم و دشواری باید برابر باشند. دانش آموز یک بخش از موضوع تعیین شده را مطالعه می‌کند و سپس با هم‌تایان خود که مسئول بخش مشترکی‌اند دور هم جمع می‌شوند و برای رفع اشکال‌های خود تبادل نظر می‌کنند. سپس به گروه خود بر می‌گردند و به ترتیب از اول بخش تا آخر بخش به نوبت تدریس می‌کنند (قربانی، ۱۳۸۱).

بحث و نتیجه‌گیری

در برنامه ریزی درسی جمهوری اسلامی ایران درس زبان و ادبیات فارسی و کتب آن به عنوان وسیله‌ای حیاتی برای انتقال زبان رسمی، ملی، میهنی کشور محسوب می‌شود. از سویی دیگر درس زبان و ادبیات فارسی پایه دهم، یازدهم و دوازدهم در دوره متوسطه دوم همواره یکی از دروس اصلی و مهم در همه رشته‌ها به حساب می‌آید. بنابراین هدف ما در پژوهش حاضر طرح همین سبک‌های مختلف و نوین متناسب با درس زبان و ادبیات فارسی بود؛ از آن‌جا که روش ما در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی بود

با مراجعه به منابع و کتب کتابخانه به مطالعاتی که در به نتایجی که ارائه شد دست یافتیم. در این مقاله ضمن مرور و بررسی اهداف حیطة شناختی، مهارتی، نگرشی به بیان الگوی عمومی تدریس و همچنین عوامل مؤثر در فرایند تدریس زبان و ادبیات پرداختیم. علاوه بر این بیان شد که رسانه های آموزشی جدید در واقع بخشی عظیم از فناوری های امروز را شامل می شود و به ابزار و وسایلی اطلاق می شود که فراگیری و یادگیری را ساده تر، سریع تر، و پایدارتر می کند؛ بنابراین بر صاحب نظران پوشیده نیست که پویایی روش های گوناگون آموزشی و اتکای آن بر پایه های استوار علمی و حساب شده، در جریان رشد یادگیری و ارتقای سطح فراگیری دانش آموزان، تأثیر عمده بر روی یادگیری آنان دارد و این مسئله نیازمند تلاش متخصصان و کارشناسان این حوزه در تدوین و طراحی و به کارگیری شیوه های نوین است. امروزه هر فرد ناچار به استفاده یافته های جدید و نو حاصل از فناوری است. از آنجا که در مدارس ما نیز دانش آموزان برای آینده تربیت می شوند و هر ساله مطالب و محتواهای کتابها نیز تغییر می یابد؛ پس ضرورت می یابد که معلم از سبک های نوین تدریس برای اثربخشی فرایند یادگیری در دانش آموزان استفاده کند. همان طور که گفته شد یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش خصوصاً در کشور ما، به کار نگرفتن روش های تدریس نوین در آموزش است. آشنایی با روش های مختلف تدریس می تواند زمینه ای جهت بر خورد متقابل و منطقی میان دانش آموزان با دانش آموزان و میان دانش آموزان و معلمان باشد. آنچه در این مقاله آمد، نگاهی کوتاه و گذرا به روش های نوین تدریس در زبان و ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه بود، از جمله؛ سبک تدریس پرسش و پاسخ، سبک تدریس بحث گروهی، سبک تدریس ایفای نقش، قصه گویی و نمایش خلاق، سبک تدریس گردش علمی و مشاهده، سبک تدریس از طریق همیاری، سبک تدریس بدیعه پردازی یا نوآفرینی، سبک تدریس تفکر استقرائی، سبک تدریس حل مسئله، سبک تدریس واحد کار، سبک تدریس اعضای گروه می باشد.

منابع

- [۱] آقازاده، محرم (۱۳۸۶). راهنمای روش های نوین تدریس بر پایه پژوهش های مغز محوری، تهران: آبیژ.
- [۲] احمدیان، محمد. (۱۳۷۸). راهنمای کاربردی روش های نوین تدریس، چاپ اول، تهران: آینه.
- [۳] حسینی، سهیلا، رضی، احمد. (۱۳۹۳). شیوه ها و روش های تدریس نوین و فناوری های جدید در آموزش زبان فارسی در دانشگاه ها، نخستین همایش آموزش زبان فارسی.
- [۴] دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی. (۱۳۹۱). ادبیات فارسی ۳ سال سوم آموزش متوسطه؛ رشته ادبیات و علوم انسانی - معارف اسلامی، تهران: چاپ و نشر کتاب های درسی.
- [۵] ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۱). راهنمای تدریس کد ۵۱، تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی.
- [۶] رستگار، طاهره، ملکان، مجید. (۱۳۹۷). آشنایی با یادگیری از طریق همیاری، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.
- [۷] سیف، علی اکبر. (۱۴۰۰). روانشناسی پرورشی نوین، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دوران.
- [۸] شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). مهارت های آموزشی و پرورشی، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- [۹] محمدی، باغملائی، حیدر. (۱۳۹۵). طراحی تدریس برای یادگیری (راهنماها، روش ها و فنون تدریس)، تهران: رشد.
- [۱۰] عالی زاده مرشد، محمد، رضوانیان، قدسیه، جعفری، سمانه. (۱۳۹۹). تحلیل انتقادی صورت و محتوای اشعار کتاب های فارسی دوره دوم متوسطه، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۰ (۴)، ۳۷۴-۳۵۵.
- [۱۱] فرخنده کلات، علی. (۱۳۹۳). ارزیابی کتاب درسی فارسی ۳. همایش آموزش زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱.
- [۱۲] عباسی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، عناصر ساختاری روش حل مسئله، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۵.
- [۱۳] ملکی، حسن. (۱۳۹۸). مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران: انتشارات سمت.
- [۱۴] قربانی، قربانعلی. (۱۳۸۲). آموزش راههای یادگیری، تهران: نشر دانشجو.
- [۱۵] کریم زاده، نازنین. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر اینترنت بر رشد مهارتهای اجتماعی، دوره ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- [۱۶] فیورلا، لوگان، ای. میر، ریچارد. (۱۴۰۰). یادگیری زایا. سعیدی، علی، اقتصاد رودی، احمدرضا. تهران: انتشارات دوران.
- [۱۷] قاسم پور مقدم، حسین و دیگران. (۱۳۹۶). راهنمای معلم فارسی ۱ پایه دهم دوره دوم متوسطه؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی.
- [۱۸] قاسم پور مقدم، حسین و دیگران. (۱۳۹۶). راهنمای معلم فارسی ۲ پایه دهم دوره دوم متوسطه؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی.